

بانو که هزاره ساله است

سومین همایش ملی

بزرگداشت حضرت خدیجه

۳۰ دی ماه ۱۴۰۰، استان یزد

نقش فرهنگی حضرت خدیجه (س) در پیشرفت اسلام

زهرا علی آبادی^۱افسانه ترکاشوند^۲

چکیده

فراز و فرود هر جامعه‌ای به دست زنان و مادران جامعه است. زن در نگاه اسلام دارای جایگاه والا و ارزشمندی است. تاریخ اسلام آکنده از زنان نمونه و شایسته‌ای است که برای رسیدن به کمال سختی‌ها و مشکلات را تحمل کرده‌اند و سبب بقا و رشد اسلام شده‌اند. رسالت پیامبر اسلام (ص) و نقش فرهنگی که حضرت خدیجه (س) از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ چراکه جامعه از دوران جاهلیت به دوران جدیدی قدم نهاد و مبارزه‌ای همه‌جانبه علیه تفکر و فرهنگ حاکم جاهلی صورت گرفت. ایشان با نقش‌آفرینی در حوزه‌های مختلف به‌ویژه حوزه تربیتی و اقتصادی، نماد اصالت‌بخشی اسلام به زن بودند. وی با گام‌برداشتن در مسیر صحیح و تلاش در جهت طهارت باطنی، الگویی برای جامعه امروز زنانی است که با تهاجم فرهنگی سازمان‌یافته توسط دشمنان روبه‌رو هستند. از نتایج و دستاوردهای پژوهش این است که تحول در جامعه، منوط به تحول در نظام یادگیری و تربیت است و در این نهادها، زن نقش بسیار سازنده‌ای دارد که حضرت خدیجه به خوبی این نقش را ایفا کرده‌اند. این مقاله به بررسی نقش فرهنگی حضرت خدیجه (س) بر پیشرفت اسلام با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و به روش توصیفی تحلیلی می‌پردازد.

واژگان کلیدی: حضرت خدیجه (س)، اسلام، نقش فرهنگی.

^۱. طلبه مدرسه علمیه کوثر تویسرکان، Torkashvand1482@gmail.com

^۲. دکترای الهیات و معارف اسلامی گرایش فقه و مبانی حقوق، مدرس مدرسه علمیه کوثر تویسرکان.

مقدمه

دین اسلام برای زن ارزش زیادی قائل است. زن نقش‌هایی از جمله: مادر بودن، همسر بودن، در خانواده دارد که می‌تواند در فرهنگ جامعه تاثیر گذار باشد. منظور از نقش فرهنگی سلوک و رفتاری است که در جامعه مشهود است. رابطه مستقیمی بین جایگاه زن و فرهنگ وجود دارد. در جامعه ای که زن به ابتذال کشیده شود، جامعه نیز به تبع آن به انحطاط کشیده خواهد شد. دشمنان اسلام برای اینکه جامعه اسلامی را دچار استحاله فرهنگی کنند بیشترین برنامه انحرافی و تهاجمی خود را برای بانوان در نظر می‌گیرند. از آنجایی که مسئولیت تربیت نسل و انسان سازی به زن واگذار شده است ضروری است که در راستای سالم سازی جامعه اسلامی به تبیین الگوهای موفق اسلامی که در طول تاریخ بیان شده پرداخته شود تا بانوان جامعه با الگو گیری از آنان بتوانند به ایفای نقش خود پردازند و سعادت خود و جامعه را فراهم کنند. تاریخ اسلام مملو از زنانی است که توانسته اند به اسلام خدمت کنند، از جمله آن‌ها حضرت خدیجه است. ایشان از خاندانی اصیل و ثروتمندی بودند که با وجود زیبایی، ثروت فراوان و موقعیت اجتماعی ممتاز با پیامبر ازدواج کردند و مورد آماج تهمت‌ها، بی‌مهری‌ها و آزار و اذیت‌های زیادی قرار گرفتند. اما چون به پیامبر ایمان داشتند همه این سختی‌ها را تحمل کردند و معادلات جامعه جاهلی را بر هم زد به طوری که ارزش‌های جامعه جاهلی را تحقیر کرد و با پایداری در راه اسلام توانست نقش بسیار مهمی در جامعه ایفا کند. او با حمایت‌های مالی، عاطفی و اعتقادی از پیامبر و همچنین تربیت فرزندی نمونه مانند حضرت زهرا به جاهلیت عرب نشان دادند که مرد بودن ارزش محسوب نمی‌شود بلکه ملاک برتری انسان‌ها تقوا است که این مهم را به بهترین وجه رعایت کردند به طوری که خداوند به خدیجه مباحثات می‌کند.

بانوان به وجود پیشرفت‌های علم و تکنولوژی، رسانه‌های جمعی و... با آسیب‌های زیادی مواجه هستند بنابراین ضروری است تا ضمن تبیین دقیق نقش فرهنگی این بانو به بانوان جامعه، به شبهات و سوالاتی که در این زمینه وجود دارد پاسخ داده شود. کتاب‌ها و مقالاتی زیادی در این مورد نگاشته شده است اما به صورت مجزا به نقش فرهنگی ایشان در پیشرفت اسلام اشاره نشده است. این مقاله در پی معرفی نقش فرهنگی حضرت خدیجه در پیشرفت اسلام است که با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و با روش توصیفی - تحلیلی تدوین شده است.

بهره‌مندی از کمال انسانی

اسلام دین انسان‌ساز است و برای هدایت انسان‌ها به کمال برنامه دارد. حضرت خدیجه (س) در تربیت و به فضیلت رساندن استعدادهای بالقوه خود حتی قبل از اسلام نیز تلاش کرده است و چون در یک نظام تربیتی

به صورت صحیح خود را پرورش داده و به کمال انسانی رسیده است، توانسته مصداق خوبی از انسان‌هایی باشد که به دور از مسئله جنسیت به این مقام رسیده از ویژگی‌های در خور ستایش حضرت خدیجه (س) اوج گرفتن او در مسیر خودسازی، شکوفایی و نیل به کمال و جمال انسانی تحت جهات معنوی رسول خدا (ص) و پیروی از دستورات ایشان می‌باشد.

در این باره آمده است: «حضرت خدیجه (س) دارای مقام اصطفای می‌باشد و به تصریح روایات، تنها برگزیده در بین زنان عالم، بلکه برگزیده در میان تمامی انسان‌ها هستند پیامبر اکرم (ص) به عایشه در این باره فرمودند: «یا عایشه أَوْ مَا عَلِمَتْ أَنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَ نُوْحًا وَ آلَ عِمْرَانَ وَ عَلِيًّا وَ الْحَسْنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ حَمْزَةَ وَ جَعْفَرًا وَ فَاطِمَةَ وَ خَدِيجَةَ عَلِيَّ الْعَالِمِينَ».

ای عایشه! آیا نمی‌دانستی که خداوند آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران و علی و حسن و حسین و حمزه و جعفر و فاطمه و خدیجه (علیه السلام) را برگزید و بر همه جهانیان برتری داد! (مجلسی، ۱۳۹۲، ج ۳۷، ص ۶۳)

در روایت دیگری پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «الکمل من الرجال کثیر و لم یکمل من النساء الا اربعة آسیه امراء فرعون و مریم ابنة عمران و خدیجه بنت خُوَیَلِد و فاطمه بنت محمد» از مردان گروه زیادی به کمال رسیدند، ولی از میان زنان جز چهار زن کسی به مرحله‌ی کمال نرسیده است؛ آسیه همسر فرعون و مریم دختر عمران و خدیجه دختر خویلد و فاطمه دختر محمد (ص) (طبرسی، ۱۳۷۰، ج ۱۰، ص ۶۸۰)

عایشه از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نقل می‌کند که حضرت فرمود: «کانت من احسن النساء جمالاً و اکملهن عقلاً و اتمهن رأياً و اکثرهن عفة دیناً و حیاء و مرورة مالاً».

او (حضرت خدیجه) در زیبایی یکی از نیکوترین زنان و در خرد و رزی یکی از کامل‌ترین زنان است، و در فرزاندگی یکی از داناترین زنان و نیز یکی از عقیف‌ترین، متدین‌ترین، باحیا ترین، باشخصیت‌ترین و ثروتمندترین زنان بود.

این سخنان آن‌هم از زبان رسول خدا (ص) به خوبی جایگاه حضرت خدیجه (س) را نزد رسول خدا (ص) و همچنین شخصیت والای حضرت را نشان می‌دهد (تهرانی: ۱۳۹۳، ص ۲۴۱)

مقریزی در کتاب خود چنین می‌نویسد: «و بانویی عاقل، کریم جلیل القدر و از اهل بهشت بود و پیامبر (ص) او را بر سایر زنان و ام‌المؤمنین برتری می‌داد و در تعظیمش مبالغه می‌نمود بدین معنا که بسیار از ایشان یاد می‌کرد و او را بزرگ می‌داشت. (مجلات، ۱۳۹۶، ج ۲، ص ۲۰۴)

آنگاه که پیامبر اکرم (ص) مأموریت یافتند که برای انجام یک برنامه عبادی، چهل شبانه‌روز به دور از همسر با وفایشان به نیایش پردازند، برای حضرت خدیجه (س) پیام فرستادند که: «یا خدیجه لا تظنی ان انقطاعی عنک هجره و لا قلی ولكن بی عزوجل امرنی بذلک لینفذ امره فلا تظنی یا خدیجه الا خیراً فان الله عزوجل لیباهی بکِ کراماً ملائکته کل یومٍ مراراً؛ ای خدیجه گمان نکنید که دوری گزیدن من از تو به خاطر بیزاری و تنفر است، بلکه پروردگرم مرا به این برنامه عبادی فرمان داده تا امرش را اجرا نمایم پس ای خدیجه گمانی جز خیر نداشته باش که خداوند عزیز و جلیل هر روز چندین مرتبه به وجود شایسته تو و بر فرشتگان گرانمایه اش مباحثات می‌کند و می‌بالد. (تهرانی، ۱۳۹۳، ص ۳۲)

حضرت ابوطالب (ع) در عصر جاهلیت حضرت خدیجه (س) را چنین توصیف نمود: «ان خدیجه امراه کامله میمونه فاضله تخشی العار و تحذر الشنار» همانا خدیجه (ع) بانوی کامل و پرمیمت و فاضل است که ساحتش از هر گونه ننگ و عار و او آبرومند است. (مقریزی، ۱۴۲۰ ج ۶، ص ۲۴).

در نتیجه حضرت خدیجه (س) جزء معدود زنانی است که به درجه رفیع کمال انسانی نائل گردید و نمونه کاملی برای تمام زنان عالم، بلکه تمام انسان‌های وارسته‌ای شد که می‌خواهند.

در این راه پرمخاطره گام نهند و توفیقاتی حاصل نمایند پیامبر اسلام از کمتر کسی این چنین تمجید فرموده است و این بزرگ‌ترین فخر برای یک بانو و حتی بالاتر از آن برای یک انسان می‌باشد که میل به بی‌نهایت و کمال دارد.

مبارزه با ارزش‌های جاهلی

یکی از مهم‌ترین تأثیرات حضرت خدیجه (س) در پیشرفت اسلام که باعث شد تفکرات جامعه جاهلی و عقاید آن‌ها برهم زده شود ایمان ایشان به عنوان یک زن بود. جامعه جاهلی عرب آن روزگار اصالت و برتری را بر سه امری می‌دانست مرد بودن، مسن بودن و آزاد بودن. اما با اسلام حضرت خدیجه (س) به عنوان یک زن اعتبار و ارزش مرد بودن زیر سوال رفت و نفی شد. وی به بیان دقیق‌تر و بهتر دین اسلام از همان ابتدا بر ضد ارزش‌های جاهلی موضع گرفت و با آن‌ها مبارزه کرد. (نصیری، ۱۳۹۱، ص ۹۴ و ۹۵).

گویا دست تقدیر حضرت خدیجه (س) رادرخانه پیامبر آورده بود تا اسلام ایشان اعلام مبارزه‌ای بر ضد ارزش‌های جاهلی باشد پس حضرت خدیجه (س) با تحمل تمام مصائب و سختی‌ها باعث ارزش بخشی به زن و مهم‌تر از آن سبب تاثیر عمیقی بر اسلام شد. به گونه‌ای که بعضی از مردان با مقایسه‌ای خود، با حضرت خدیجه (س) به پیامبر (ص) ایمان آورده‌اند و برخی از زنان به تبعیت از حضرت خدیجه (س) ایمان آوردند.

هدف‌داری

هدف به زندگی انسان معنا و مفهوم می‌بخشد. و انسانی که هدفی را دنبال کرده و در راه آن هدف تلاش می‌کند زندگی‌اش ارزش می‌یابد و هدف حضرت خدیجه (س) والاتر از مادیات و امور زودگذر بود و برای به ثمر نشستنش آرامش نداشت.

حافظ شیرازی در غزلی گفته است:

اهل نظر دو عالم در یک نظر ببازند عشق است و داو اول بر نقد جان توان زد

بدین معنی که در راه هدفی به بزرگی عشق باید حاضر شد جان را هم فدا کرد و حضرت خدیجه (س) این‌گونه بود. (دیوان حافظ، غزل ۱۵۴، ص ۱۱۰).

وفاداری و از خودگذشتگی حضرت خدیجه (س) در راه رسیدن همسرش به اهدافش آن‌هم هدفی والا که پیامبر اکرم (ص) داشتند حتی تا پای جان مورد توجه سیره نویسان و محققان قرار گرفته است او از اولین لحظات مبعث به رسول خدا ایمان آورد و تا آخرین لحظات بر ایمان خود پای فشرد و لحظه‌ای شک و تردید به دل راه نداد. (پاک‌نیا، ۱۳۸۱، ص ۷۸).

بنابراین می‌توان گفت هدف حضرت خدیجه (س) یکی از ارکان مهم در بسط و گسترش اسلام است چرا که به همگان آموختند برای رسیدن به مقصد و هدف خود باید از خودگذشتگی کرد و هیچ‌گونه شک و تردیدی نداشته باشند.

حضرت خدیجه (س) الگوی عفاف و حجاب

عفاف و حجاب زنان در جامعه می‌تواند در پاک دامن‌ی مردان نیز اثر گذار باشد. حضرت خدیجه (س) نه تنها در زمان ظهور اسلام بلکه قبل از آن هم حجاب را کاملاً رعایت می‌کردند و خود را در معرض دید نامحرمان قرار نمی‌دادند و در این باره آمده است: حضرت خدیجه (س) حتی در عصر جاهلیت و قبل از اسلام و ازدواج با پیامبر

اکرم (ص) ملقب به (طاهره) بودند و این سیر راحتی پس از بعثت هم ادامه دادند. (عسقلانی، ۱۴۱۵، ج ۸، ص ۹۹)

حتی وقتی که رسول خدا (ص) به فرمان خداوند مأمور شدند تا چهل شبانه روز از حضرت خدیجه (س) فاصله بگیرند و به راز و نیاز پردازند، خدیجه (س) در این مدت در منزل ماند و از امر پروردگار و رسولش «قرن فی بیوتکن» (احزاب / ۳۳) تخلف نکرد و بعد از پایان چهل روز وقتی پیامبر (ص) به خانه مراجعت کردند و درب را به صدا آورده اند حضرت خدیجه (س) عرض داشت چه کسی درب خانه را می کوبد؟ کسی جز محمد (ص) حق ندارد درب این خانه را بزند پیامبر (ص) فرمودند: ای خدیجه درب را باز کن که محمد آمده است. (مجلسی، ۱۳۹۲، ج ۱۶، ص ۷۸).

بنابراین حضرت خدیجه (س) در طول حیات پربرکشان مسئله حجاب و پوشش در برابر نامحرم را به خوبی رعایت کردند از این رو بانوان جامعه در رابطه با مسئله حجاب باید این درس را از زندگی نورانی آن حضرت بگیرند و حضرت خدیجه را الگوی خویش در همه ابعاد به ویژه مورد حجاب قرار دهند و برای آنکه کوتاه فکر ان گمان نکنند که مسئله حجاب فقط مربوط به اسلام بوده و این دین آسمانی با واجب نمودن حجاب خواسته از بانوان سلب آزادی نموده و آنها را در محدودیت قرار دهد لازم است به این مطلب اشاره کرد که در سایر ادیان و مذاهب و ملت های مختلف حجاب مرسوم و متداول بوده است.

شناخت ادیان و مذاهب

اسلام آوردن حضرت خدیجه (س) و دور از تعصب و با دانش و تحقیق عمیق بوده است. شناخت ادیان مختلف می تواند در انتخاب آگاهانه بی تاثیر بگذارد. اگر فرد دچار تعصب باشد گمان می کند که تنها خودش حق است و دیگر انسان ها و مذاهب را باطل دانسته یا با آنها مقابله می کند. اما انسان هایی که به دور از تعصب و با خردمندی و دنبال شناخت و انتخاب راهی صحیح هستند و با ذهنی پویا به بررسی و شناخت مذاهب می پردازند، می توانند تأثیری عمیق در ارائه آیین و دین مورد تأیید خود به دیگران داشته و به الگویی در این زمینه تبدیل شوند. حضرت خدیجه (س) الگویی کامل را به نمایش گذاشت. خدیجه (س) در شناخت مذاهب و ادیان پیشین نیز صاحب دانش و کمال دارای رای و نظر بود عمومی آن حضرت جناب فرق از کشیش شهرهای بزرگ عالم مسیحیت و صاحب نظر در تورات و انجیل و آموزه های آنها بود و خدیجه علیها سلام آن علوم و آگاهی ها را از او فرا گرفته و از شاگردان سرشناس او بود. روشن ترین دلیل این سخن آن است که پس از ورود فرشته وحی برای نخستین بار به پیامبر اکرم (ص) و آوردن پیام خدا، هنگامی که آن حضرت شور و هیجان خود

را با خدیجه علیها سلام در میان نهاد، آن بانوی معظمه پرسید: «یابن عم! أستطیع أن تخبرنی بصاحبک هذا الذی یتیک اذا جائک». ای عموزاده آیا می توانی آن پیام رسانی را که پیام خدا را برای شما می آورد این بار که آمد، نیک بنگری آنگاه او را برای من وصف کنی؟ پیامبر (ص) فرمود: آری. هست از مدتی هنگامی که فرشته وحی فرود آمد، پیامبر (ص) فرمود: «ای خدیجه! این فرشته وحی است که اینک برایم پیام آورده است».

خدیجه (علیها السلام) برای شناخت فرشته وحی، برابر آموزه های کتاب ها و فرهنگ و مذاهب آسمانی حضرت موسی (ع) و حضرت عیسی (ع) به یک آزمون علمی دست زد و پس از آن به اظهار نظر و تفسیر خواب ها و خبرهای پیامبر (ص) پرداخت. (غالب سیلاوی، ۱۳۸۲، ص ۳۲۶).

این نکات نشانگر آنست که آن بانوی بزرگوار این گونه بوده :

۱. با مفاهیم و معارف مذاهب انبیاء پیشین آشنا بوده است

۲. با پروردگار عالم، فرشته وحی، پیام الهی و وحی، مقام والای نبوت و رسالت، شیطان و وسوسه های او و دیگر مفاهیم و معارف الهی آشنا بوده است.

۳. علاوه بر اینها حضرت خدیجه (سلام الله علیها) همراه، همراز و همدم پیامبر (ص) و نزدیک ترین شخص و آن وجود مبارک بود آیا ممکن است با آن عشق، شور و علاقه متقابلی که میان او و پیامبر (ص) موج می زد و با علاقه ای که حضرت خدیجه (س) به شناخت تحولات آینده داشت، آموزه های پیامبر را فرانگیرد و آیا ممکن است پیامبر اکرم آن آموزه ها را به همدم و یاور مورد اعتمادش نیاموزند؟ چگونه ممکن است بانویی بدین بزرگواری که خانه اش محل نزول ملائکه بوده است صاحب بینش و دانشی نباشد؟ (تهرانی، ۱۳۹۳، ص ۲۴۱ و ۲۴۲)

برخی دیگر جامعه جاهلی را این گونه توصیف می کنند:

«... او در تماس هایی که با مسیحیان و اهل کتاب داشت مانند پسر عمویش ورقه بن نوفل که از دانشمندان مسیحی بود و اطلاعات وسیعی در مورد کتاب های آسمانی و بشارت های آن کتاب ها به ظهور پیامبر آخرالزمان (ص) داشت و همچنین از خواب هایی که خدیجه (س) شخصاً دیده بود، اطمینان به ظهور اسلام داشت و در این راستا دریافته بود که پیامبری در مکه ظهور می کند و خورشید و وجودش عالم تاب خواهد شد، از این جزء منتظران چنان ظهوری بود، تا در پرتو آن، نابسامانی های اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی جامعه سامان یابد و مردم از نکبت های برنامه های آلوده جامعه جاهلیت نجات یابند... او با کمال آگاهی و خردمندی با

حضرت محمد(ص) ازدواج نمود و همه هستی خود را فدای او و آرمان‌هایش کرد». (قائمیہ اصفهان، ۱۳۹۲، ص ۱۰۱ و ۱۰۲)

در نتیجه حضرت خدیجه(س) که با داشتن اندیشه‌ای پویا و ذهنی باز و به دور از تعصب و همچنین شناخت مذاهب، با اختیار خود برتر بودن دین اسلام بر سایر ادیان را درک نمود، می‌تواند الگوی کاملی در این راه برای کسانی باشد که به دنبال حقیقت و راه درست هستند. چرا که راهی که با تعقل، تحقیق، اختیار و آگاهی انتخاب شود هم ارزشمند است پایدار و هرکس که اندکی بیاندیشد درمی‌یابد که حضرت خدیجه(س) در هموار کردن این راه تأثیری عمیق داشت زیرا او زندگی در سایه مهر خداوند و رسولش را بر زندگی راحتی که داشته آگاهانه و عاشقانه ترجیح داد .

سبقت در تصدیق وحی

از جمله اقداماتی که حضرت خدیجه(س) در زمینه فرهنگی و اجتماعی انجام داده‌اند و ما تصدیق و تأیید پیامبر(ص) بود و این یکی از کارهای مهمی است که دارای آثار مثبت زیادی در جهت پیشبرد اهداف مقدس پیامبر اکرم(ص) و ناکامی دشمن و ایجاد سستی و تزلزل در عقاید خرافی است. اهمیت تصدیق پیامبر(ص) توسط خدیجه(س) از آنجایی آشکار می‌شود که در آن شرایط سخت و دشوار چقدر با ارزش بوده که پیامبر(ص) خود در این باره فرمود: «ما ابدلنی الله خیراً منها لقد آمنت بی حین کفر الناس و صدقتنی حین کذبنی الناس و اشکرکتنی فی مالها حین حرمنی الناس و رزقنی الله ولدها و حرمنی ولد غیرها»

هیچ‌گاه خدا بهتر از او را به من ارزانی نداشت زیرا او به من ایمان آورد در شرایطی که مردم (واپسگرا) به من کفر می‌ورزیدند. به راستی و درستی من و دعوتم گواهی داد در حالی که مردم مرا (در رسالت هم) دروغ‌گو می‌انگاشتند و مرا شریک در دارایی‌اش (در راه اهدافم) نمود در حالی که مردم (ظالم و زورمدار) حقوق مرا پایمال می‌کردند. (غالب سیلاوی، ۱۳۸۲، ص ۲۰۷)

پیامبر اکرم(ص) در روایت دیگر فرمودند: «کجا شبیه خدیجه یافت می‌شود او به راستی و درستی من شهادت داد آن زمان که مردم مرا دروغ‌گو می‌پنداشتند، وزارت، یاری و همراهی کرد مرا در راه دین خدا و با مال و ثروتش مرا در این راه کمک کرد». (مجلسی، ۱۳۹۲، ج ۱۸، ص ۲۳۲ و ۲۳۳)

ابن حجر از عسقلانی می‌گوید: «خدیجه زوج النبی(ص) اول من صدقت ببعثه مطلقاً» (عسقلانی، ۱۴۱۵، ج ۸، سال ۹۹)

خدیجه (س) همسر پیامبر اکرم (ص) اولین کسی بود که بعثت پیامبر اکرم را به طور مطلق تصدیق کرد .

بنابراین یکی از راه‌های مبارزه قریش و دشمنان پیامبر (ص) برای خدشه‌دار کردن چهره ملکوتی آن حضرت که توسل به حربه احمقانه تهمت بود. (تهمت‌هایی مانند دروغ، و جنون که در قرآن در آیات زیادی به آن‌ها اشاره می‌کند) با مبارزه فرهنگی حضرت خدیجه (س) در قالب تصدیق نبی اکرم (ص)، نافرجام ماند و ساحت مقدس رسول گرامی اسلام (ص) از این برچسب‌ها و دروغ‌ها منزه شد .

مشرکان در پی آن بودند که با جنگ‌های روانی پیامبر (ص) را در نظر دیگران کوچک کنند و با خرد کردن شخصیت ایشان حضرت را انزو بکشاند تا نه دیگران روی آورند و نه خود توان حضور در جامعه را داشته باشند. اتهام کاذب خواندن پیامبر (ص) که در قرآن بارها به آن اشاره شده است هر چند سخیف و باورنکردنی بود اما در حال بر عده‌ای اثر می‌گذاشت، زیرا اصولاً مردم با آگاهی از این‌که چیزی شایع است و واقعیت ندارد باز تحت تاثیر قرار می‌گیرند، طبیعی است که اگر چیزی بارها از دهان افراد مختلف گفته شود اثر خواهد کرد. حضرت خدیجه (س) با آن جایگاه ممتازی که در جامعه عرب داشتند و با آن مال و ثروت فراوانشان به پیامبر (ص) ایمان آورده‌اند و در راه ایشان و هدفشان فداکاری کردند و توانستند تاثیر عمیقی در فرهنگ جامعه و دیدگاه مردم به پیامبر داشته باشد ایشان با ایمان خود مصداق آیه «و السابقون و السابقون اولئک مقربون» (واقعۀ ۱۰ و ۱۱) و (سومین گروه) پیشگامان پیشگامند. آن‌ها مقربانند.

اخلاص در بخشش

بخشنده‌گی ویژگی انسان‌های آزاده و بزرگ است. انسانی که پا را از دنیا فراتر گذاشته و خود را برای خدا خالص کرده می‌تواند از مالش، اعتبارش و جانش بگذرد. حضرت خدیجه (س) به معنای واقعی کلمه بخشنده بود و همین ویژگی حضرت خدیجه باعث پیشرفت اسلام شد.

گاهی بخشش برای کسب اعتبار است. می‌توان گفت اغراض مختلفی برای بخشش وجود دارد که تنها الهی بودن و اخلاص در بخشش انسان را ماندگار و جاودانه می‌کند .

آیت الله جوادی آملی در این باره می‌فرماید: «گاهی انسان عملی را انجام می‌دهد که پروردگار علاوه بر اینکه آن عمل را پذیرفته و به آن پاداش می‌دهد، آن کار را به خودش نسبت داده ولی فراتر از آن، کننده کار را می‌پذیرد همان طور که درباره حضرت مریم (س) فرمود: «و تقبلها بقبول الحسن» (آل عمران / ۳۷) یعنی خداوند خود حضرت مریم (س) را قبول کرد. ماجرای حضرت خدیجه (س) هم از این نوع است که پروردگار تنها کار

آن بانوی بزرگوار را قبول کرد و به آن پاداش داد بلکه آن کار را به خود نسبت داد و بلکه بالاتر از آن خود خدیجه (س) را پذیرفت. یعنی بی نیازی رسول خدا (ص) با مال حلال حضرت خدیجه (س) بود». (جوادی آملی، ۱۳۹۵/۳/۲۷)

بنابراین تلاش رسول خدا در کنار بخشش خالصانه حضرت خدیجه (س) از نظر مالی، جانی و اعتباری باعث پیشرفت اسلام شد. زیرا پیامبر (ص) برای پیشرفت اسلام نیاز به مال و ثروت داشت و از آنجایی که خود فاقد منابع مالی بود، تلاش‌های شبانه روزی و خالصانه رسول خدا در کنار بخشش اموال حضرت خدیجه (س) این کار را برای اسلام کرد.

آرامش روحی به پیامبر (ص)

دنیا محل ابتلا و آزمایش است. مردان بیش از زنان در معرض تنش‌ها و مشکلات هستند برای همین در محیط خانه و خانواده نیازمند آرامش روحی هستند. «زن فهمیده می‌داند که شوهرش آرامش خواه و امنیت طلب است و دوست دارد در محیطی سرشار از صمیمیت و صفا زندگی کند». (قاضی، ۱۳۸۹، ص ۱۷۴)

در قرآن کریم آمده است: «... لتسکنوا الیها...» (روم/۲۱) زنان سبب آرامش مردان هستند و این را از بازگشت ضمیرها به زنان می‌توان فهمید. پیامبر اکرم با توجه به مسئولیت و بار سنگینی که بر دوش داشتند نسبت به مردان دیگر نیاز به آرامش بیشتری داشتند و حضرت خدیجه این را به خوبی می‌دانستند.

پیامبر بیست و پنج سال از عمر مبارک خود را با حضرت خدیجه سپری کرد یعنی دو سوم از عمر شریف خود را با یک همسر بسر برد زیرا خدیجه محرم اسرار پیامبر بود و با وجود چنین همسری هیچ کمبودی در زندگی احساس نمی‌کرد. (تهرانی، ۱۳۹۳، ص ۱۶۵)

خوش‌رویی و خنده زن برای همسرش در محیط خانواده باعث آرامش روانی مرد می‌شود. حضرت خدیجه (س) با تبسم و مهربانی خود و پیامبر (ص) باعث می‌شد که آن حضرت دردها و رنج‌های خود را فراموش کند و وجود حضرت خدیجه (ص) تأثیر عمیقی در زندگی پیامبر اکرم (ص) و یا بالاتر از آن در حیات اسلام که در آن زمان در ابتدای رشد و نموی خود بود داشت و اگر برای وجود این بانوی گرامی در کنار رسول خدا (ص) این تأثیر عظیم نمی‌بود فقدان او بر پیامبر دشوار و گران نمی‌آمد. (علی دخیل، ۱۳۶۱، ص ۱۵ و ۱۶)

حضرت خدیجه (س) به‌عنوان یک مادر نمونه این آموزه را به‌خوبی به فرزند بزرگوارش حضرت زهرا (س) انتقال دادند. چنانچه امیر مؤمنان (ع) در روایتی فرمودند: «لقد كنت انظر اليها فتكشف عني الهموم والاحزان»

من هرگاه به فاطمه علیها السلام نگاه می‌کنم غم و اندوه از من زدوده می‌شود. (مجلسی، ۱۳۹۲ ج ۴۳، ص ۱۳۴)

ابن اسحاق می‌گوید: «خدیجه یاور صادق و باوفای پیامبر (ص) بود و مصیبت‌ها در پی رحلت خدیجه... بر پیامبر سرازیر شد» (سیره ابن هشام، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۴۲۶)

بنابراین تاثیر آرامشی که حضرت خدیجه (س) به رسول خدا (ص) می‌دادند را می‌توان در سراسر اسلام مشاهده کرد، زیرا آرامش رهبر جامعه سبب می‌شود تا با فراغت بال و فکری آسوده به حل مشکلات و دغدغه‌های جامعه و پیشرفت و آبادانی آن پردازد و حضرت خدیجه (س) به‌خوبی از عهده این مسئولیت مهم برآمدند.

صبر و استقامت

قرآن کریم نزدیک به صد آیه از صبر سخن به میان آمده، درحالی‌که هیچ‌یک از فضائل انسانی به این اندازه مورد تایید قرار نگرفته‌است. این نشان می‌دهد که قرآن برای صبر اهمیت ویژه‌ای برای صابران اجر و فرمان قائل شده و می‌فرماید: «انما یوفی الصابرون اجرهم بغير حساب» (زمر / ۱۰) همانا صابران اجر و پاداش خود را بی حساب دریافت می‌دارند .

کلید ورود به به صبر و استقامت شمرده شده است. آنجا که می‌فرماید: فرشتگان برتر بهشت به استقبال صابران می‌آیند و به آن‌ها می‌گوید: «سلام علیکم بما صبرتم فتمم عقبی الدار». (رعد / ۲۴).

وقتی پاداش صابران نزد خداوند این‌چنین است، کافی است مؤمن در هنگام برخورد با پیش‌آمدهای ناخوشایند و گرفتاری‌های روزگار این حقیقت را به‌خاطر آورد که بازگشتش به سوی خداست و اجری عظیم خواهد داشت و این باعث می‌شود حتی سختی‌ها هم برایش شیرین و آسان شود. انسان می‌تواند با الگو قرار دادن انسان‌های صابر مسیر را راحت‌تر طی کند و قدری از آلام و اندوهش را تسکین دهد. حضرت خدیجه (س) الگوی خوبی از انسان‌های صابر می‌باشد بانویی که پیش‌از ازدواج با رسول خدا (ص) از امکانات مادی فراوانی برخوردار بود و زندگی نسبتاً آرام و بی‌دغدغه‌ای داشت، در طول زندگی مشترک با آن حضرت انواع رنج‌ها و محرومیت‌ها را پذیرا شد در روایات آمده است که: «حضرت خدیجه (س) همه پسرانش در سنین کودکی از دست داد». (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۲۴۳ و ۲۴۴). و اما هیچ‌گونه اظهار ناراحتی و اندوهی نکرد و صبر و بردباری پیشه کرد از سوی دیگر حضرت خدیجه (س) شاهد زخم زبان‌های زنان مکه و آزار و اذیت مشرکان به همسر محبوبش بود اما با یقین به حقانیت این راه، برای کسب رضای پروردگار در برابر ناملایمات صبر و استقامت می‌کرد .

بنت الشاطی در این باره می نویسد: «خدیجه در سنی نبود که تحمل رنج و سختی برای او آسان باشد و از کسانی نبود که در جریان زندگی با تنگی معیشت، محرومیت‌ها و تلخ‌کامی‌ها بار آمده و خون گرفته باشد و در عین حال با وجود کهولت و سال‌خوردگی، سختی‌هایی را که از طرف قریش بر او تحمیل شد، تا سرحد مرگ تحمل کرد.» (بنت شاطی، ۱۳۹۰، ص ۲۱۷)

از امام صادق (ع) نقل شده است: «از آن روزی که حضرت خدیجه (س) با پیامبر اکرم (ص) ازدواج کردند، زنان مکه با ایشان قطع رابطه کردند، به خانه‌اش نمی‌رفتند، با او مصافحه نمی‌کردند، سلامش را پاسخ نمی‌دادند و به او سلام نمی‌کردند و اجازه نمی‌دادند زنی به دیدارش برود به همین سبب هراس و غم و اندوه وجود حضرت خدیجه (س) را فرا گرفت، اما زمانی که به فاطمه (س) باردار شد، فرزندش با او سخن می‌گفت و او را به صبر و تحمل دعوت می‌کرد.» (مجلسی، ۱۳۹۲، ج ۱۶، ص ۸۰)

به همین سبب است که رسول خدا (ص) فرمودند: «أَمْرٌ أَنْ أُبَشِّرَ خَدِيجَةَ بَيْتٍ مِنْ قِصْبٍ لَا صَنْبٍ وَلَا نِصْبٍ.» (مجلسی، ۱۳۹۲، ج ۱۶، ص ۷۲) به من امر شده که خدیجه را به خانه‌ای در بهشت از جنس نقره که در آن نه سروصدایی است و نه رنج و بیماری بشارت دهم.

در نتیجه صبر و استقامت حضرت خدیجه (س) این درس را به مسلمانان آموخت که اگر در راه هدف خود صبر و استقامت کنند به نتیجه می‌رسند و حتی دشمنان را به زانو درآورده و گاه باعث همراه شدن آن‌ها با اسلام می‌شوند. زندگی همواره با فراز و فرود همراه است. این اقتضای جهان است و محال است از سختی خالی باشد زیرا خداوند فرمود: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ» (بلد، / ۴).

انسان همواره بین دو راهی قرار دارد، آنان که صبر کرده‌اند ایوب شدند و آنان که بی‌تابی کردن یونس. به راستی می‌توان گفت حضرت خدیجه (س) مصداق بارز این آیات کریمه گردید: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا وَتَنْزَلَ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَابْشُرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ.» (فصلت / ۳۰)

وی یقین کسانی که گفتند پروردگار ما خدای یگانه است سپس استقامت کردند فرشتگان بر آنان نازل می‌شوند که ترسید و غمگین نباشید و بشارت باد بر شما و آن بهشتی که به شما وعده داده شده است.

«ان الذين قالوا ربنا الله ثم استقاموا فلا خوف عليهم ولا هم يحزنون اولئك اصحاب جنت خالدین فیها جزاء بما كانوا يعملون.» (احقاف / ۱۴ و ۱۳) یقین کسانی که گفتند پروردگار ما خداوند یگانه است سپس استقامت

کردند، نه تنها تدسی که دارند و نه غمگین می شوند آنها اصحاب بهشت هستند، جاودانه هستند در آن پاداش آن چیزی است که انجام می دادند .

«بلی ان تصبروا و یا توکم من فورهم هذا یمدکم و ربکم بخمسه الاف من الملائکه مسومین» (آل عمران / ۱۲۵)

آری اگر شکیبایی ورزید و پرهیزکاری کنید و دشمنان در همین لحظه جوشان و خروشان بر شما بتازند پروردگارتان شما را با پنج هزار فرشته شان داره یاری می دهد. همان گونه که پیامبر (ص) نیز به شما وعده بهشت داده اند.

ادیب و شاعر نامدار عرب

از ویژگی های حضرت خدیجه (س) چهره ادبی، هنری و از ذوق سرایندگی اوست به گونه ای که خانه او، مرکز انجمن ادبی و علمی شهر بود. او در آن روزگار تیره و تاریک، افزون بر تیزهوشی و خردمندی، از دانش و بینش و هنر سرایندگی نیز بهره ور بود و به همین دلیل سروده هایش نیرومند، موج ساز و جذاب است .

مرحوم علامه امینی (قدس سره) در این باره می نویسد: حضرت خدیجه (س) در شمار سرایندگان نامدار و دارای ذوق و قریحه ای لطیف و ظریف بود و اشعار و قصاید سرشار از ظرافت های معنوی و ادبی در وصف رسول خدا (ص) می سرود آن هم ۱۵ سال قبل از بعثت این مطالب را نشان می دهد که آن بانو از چه ذوق و شوق و شوری برخوردار بوده است. (امینی، ۱۳۸۹، ص ۱۳۷)

در این باره آورده اند که: «حضرت خدیجه (س) پس از گفتگو با چند تن از دانشوران و آگاهان روزگار خویش، از جمله راهب نصرانی و عمویش ورقه در مورد شخصیت والای پیامبر (ص) و آگاهی به عظمت، جلال، شکوه و معنویت او و آینده درخشان، پر امید و پرفروغش، اشک از دیدگانش جاری شد و آه سرد از دل پردرد برکشید و مترنم به این اشعار گردید و آتش عشق و وصال آن حضرت را از عمق وجودش مشتعل کرد:

۱- کم أستر الوجد و الا جفان تهتكه و أطلق الشوق و الاعضاء تمسكه

تا چند وجد و شادی ای که در دل دارم بپوشانم و حال آن که پلک های چشم آن را پاره می کند و تاکی شوق وصال را رها کنم و حال آنکه اعضای من آن را نگاه می دارد.

۲- جفانی القلب لما أن تملکه غیری فوا اسفا لو كنت املکه

دل من با من جفا کرد برای این که غیر من آن را مالک شده و جای تاسف است اگر من مالک شوم او را

۳- ماضر من لم یدع منی سوی رمقی لوکان یسمح بالباقی لیترکه

ضرر نکرد کسی که جز رمقی برای من نگذارد، اگر سهل می گرفت به باقی ماند و به هر آینه ترک می کرد آن را مرحوم علامه مجلسی پس از ذکر این اشعار این روایت را نقل می کند که راوی گفت: «آنچه برایم عجیب بود این بود که هنوز حضرت خدیجه (س) از سرودن این اشعار فارغ نشده بود که صدای کوبه در آمد آن حضرت به کنیز خود فرمود بلند شو و در را بگشا شاید خبری از دوستان برسد و در همان حال این اشعار را سرود:

۱- آیاریح الجنوب لعل علم من الاحباب یطفیء بعض حرّی

ای باد جنوب از دوستانم مرا خبر ده، شاید از دانستن حالات ایشان بعضی از سوزش من فرو نشید.

۲- و لم لا حموک الی منهم سلاماً اشتر به و لو بعمری

چرا سلامی از خود به سوی من به واسطه تو نفرستادند تا من به جان خود آن را خریداری کنم.

۳- فیوم من فراقکم کشر و شهر من وصالکم لدهر

یک روز جدایی از شما مانند ماهی است برای من و یک ماه از وصال شما مانند روزگاریست کنیز رفت و درب را گشود و برگشت و گفت: فرزندان عبدالمطلب و سادات عرب آمده اند حضرت خدیجه (س) با شور و شوق فراوان برخاست و به کنیز فرمود: درب را بگشا و به مسیر خبر ده مسندها برای ایشان بگسترانند و متکاها در پشت هر یک از ایشان بگذارند امیدوارم که حبیب و محمد (ص) را به همراه خود آورده باشند. (مجلسی، ۱۳۹۲، ج ۱۶، ص ۲۴ و ۲۵).

آقای میرباقری می فرماید: «در تاریخ آمده است که حضرت خدیجه (س) حتی مهریه اش را هم از اموال خودش قرارداد است وقتی به جناب ابوطالب اعتراض کردند ایشان فرمود: اگر دامادی همچون محمد یافتید زن هم مهرش را از اموال خودش قرار می دهد». (میر باقری، ۲۶ / ۲ / ۱۳۹۸)

وقتی کسی جایگاه والای پیامبر (ص) را حتی قبل از نبوت هم درک کند می تواند این چنین عاشق و شیدای او شود و حضرت خدیجه این چنین بوده اند گفته شده آن هنگام که پیامبر اکرم (ص) جهت فقر از ازدواج با حضرت خدیجه (س) عذرخواهی کردند و حضرت خدیجه (س) این چنین به پیامبر اکرم (ص) عرض کردن: «کسی که از جان خود از مثل جانانی مضایقه نمی کند از مال خود نیز مضایقه نخواهد کرد تمام هستی و دارایی من از آن

شما و در اختیار شما است، سوگند به کعبه و صفا بدون خواسته و رضایت تو لب نگشایم و چنین گمانی از مثل تو آرام جانی نمی‌برم که این کنیزک را از خود دور و عصر فیض وصال خود محروم نفرمایی. حضرت خدیجه (س) این کلمات را با سوز دل گفت و قطرات اشک از دیده بر رخسار خود می‌بارید سپس به سرودن اشعاری پرداخت به این مضمون:

۱. به ذات خدا سوگند که نسیم شمالی نمی‌ورزد مگر این که یاد می‌کنم شب‌های وصال را

۲. و برخی از طرف شما جستن نکرد مگر این که من آن را در خواب می‌دیدم

۳. ای دوستان ما! جدایی از شما در فردای وصال در دل من خطور نمی‌کند» (مجلسی، ۱۳۹۲، ج ۱۶، ص ۵۵)

در نتیجه این ویژگی برتر و منحصر به فرد حضرت خدیجه (س) تأثیر شگرفی در پیشرفت اسلام آن روزگار داشت چرا که شعر در فرهنگ عرب حرف اول را می‌زند و برای بیان حقایق نیز می‌توان از شعر کمک گرفت و حضرت خدیجه (س) در این عرصه هم درخشید، زیرا این مبارزه فرهنگی بر علیه جاهلیت آن روزگار، برخاسته از ضمیر پاک و روحی متعالی بود که توانست تأثیری عمیق و شگرفی در افکار عمومی مردم جهان بگذارد. حضرت خدیجه (س) به عنوان یک الگوی پویا، هم‌اکنون نیز بر فراز قله مبارزه با جاهلیت مدرن می‌درخشد.

دوراندیشی، خردمندی و نوگرایی

دوراندیشی خردمندی و نوگرایی از شاخصه‌های انسان‌های هوشمند است. یکی از شاخصه‌های مهم حضرت خدیجه که باعث تاثیرگذاری در پیشرفت اسلام بود دوراندیشی و خردمندی ایشان می‌باشد. انسان‌های هوشمند به آداب رسوم و فرهنگ رایج در جامعه خودپسند نمی‌کنند و همواره به دنبال راه و روش جدید و شیوه‌ای برتر برای تامین حقوق انسان‌ها هستند. همین ویژگی از رازهای پذیرش دعوت‌های آسمانی و نهضت‌های آزادی خواهانه‌ی پیامبران هستند. با دقت در شرایط زندگی مردم عربستان در زمان گذشته روشن می‌شود که حضرت خدیجه (س) از روح ابتکار و دوراندیشی بهره‌مند بود و از فرهنگ آیین و مدیریت روزگارش بسیار پیش‌تر بود و مخالف سرسخت جنبه‌های ظالمانه باورها آداب رسوم آن‌ها بود همین ویژگی بانوی خردمند حجاز را با جامعه خود متفاوت ساخت و او را انسانی وارسته کرد. به گونه‌ای که هم از حقایق روزگارش آگاه بود هم به خدا جویی و بشردوستی آراسته.

این اثر در این باره می‌نویسد: «خدیجه زنی دوراندیش و خردمند و شریف بود خداوند اراده کرده بود که او بانویی بزرگوار کریم و شریف باشد خدیجه به خاطر خردورزی و قلبی صاف به بزرگواری رسول خدا پی برده

بود پس به نزد رسول خدا کسی فرستاد و ازدواج خود را به او پیشنهاد نمود او شریف‌ترین زنان قریش از نظر نسب بود و از همه آنها ثروتمندتر و شریف‌تر، همه قومش بر ازدواج با او حریص بودند اگر بر این امر قدرت داشتند» (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۱۴)

مالکی می‌نویسد: «خدیجه زنی دورانیش و خردمند و شریف بود او در آن روز از لحاظ نسب پاک‌ترین قریش و شریف‌ترین و ثروت‌مندترین آنها بود، همه قومش سخت بر ازدواج با او حریص بودند ولی او خودداری ورزید و ازدواج خود را بر پیامبر پیشنهاد کرد و گفت: ای پسرعمویم من به تو میل و رغبت دارم به خاطر خویشاوندی تو از من و شرف تو در قومت و امانتت نزد آنها و خوش‌اخلاقی و راست‌گویی گفتارت». (مالکی، ۱۳۸۱، ص ۱۳۳)

در تاریخ بشریت زنانی چند به مقام والای انسانیت رسیده‌اند و برترین زنان شده‌اند و خدیجه سومین آنان بانوی خردمند و پروا پیشه حجاز و یاور و پشتیبان پر اعتبار محمد و شریک دغدغه‌های او بود حقی بزرگ بر فرهنگ و تمدن رشد و بالندگی بشریت دارد زیرا با اندیشه‌ای نو گرایانه و خردمندانه در استوار کردن راه سعادت کمال و اوج بشر شرکت نموده و نقشی سرنوشت‌ساز داشته‌است بانو در درایت و خردمندی تقوا و آینده‌نگری، بینش زیبا، منش مترقی و نوگرایانه، معنویت طلبی و آراستگی به ارزش‌های والای انسانی زبانزد بود. (تهرانی، ۱۳۹۳، ص ۱۸۰)

در نتیجه حضرت خدیجه با وجود مال و ثروت فراوان و جایگاه ممتاز اجتماعی در امر ازدواج ارزش‌های دیگری را مدنظر داشت و به دلیل خرد و دورانیشی و نوگرایی پیامبر اکرم را شایسته‌ترین فرد برای زندگی مشترک دانسته و تمام ملاک‌های جاهلی را کنار زد تا جایی که خود به پیامبر پیشنهاد ازدواج داد او نه تنها در امر ازدواج بلکه در همه عرصه‌ها از جمله شعر، تجارت و... با خردمندی دورانیشی و نوگرایی که داشت به موفقیت رسید و توانست تاثیر بسزایی در پیشرفت اسلام داشته باشد.

مظهر مرضات الهی

اطاعت از خداوند و رسول او از جمله اموری است که باعث می‌شود فرد مورد رضایت و خشنودی پروردگار و ولی او قرار بگیرد و خداوند این افراد را برای سرپرستی دیگران عهده‌گیری امور بزرگ ایجاد تحولی عمیق و همچنین مبارزه با فرهنگ جاهلیت برمی‌گزیند. همان گونه که قرآن کریم به آن اشاره می‌فرماید: «و المؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر و یقیمون الصلوٰة و یوتون الزکوٰة و یطیعون الله و رسوله، اولئک سیرحهم الله و ان الله عزیز حکیم» (توبه / ۷۱)

و یا در جای دیگر می‌فرماید: «قل إن کتمت تحبون الله فتبعونی یحببکم الله ویغفر لکم ذنوبکم و الله و غفور و رحیم». (آل عمران ۱۳)

خصوصاً در برهه‌های حساس تاریخی که سرنوشت جمعی بشریت در حال رقم خوردن است عبور از عصر جاهلیت به عصر اسلام و مبعث حضرت رسول از حساس‌ترین برهه‌های تاریخی و سرنوشت‌ساز بشر به شمار می‌رود و پذیرش اسلام در چنین شرایطی که فشار و سختی بر پیامبر عظیم‌الشان اسلام زیاد است ارزشی مضاعف دارد آن‌هم از سوی بانویی با آن ویژگی‌های شخصیتی والا و موقعیت ممتاز اجتماعی.

بدون شک اطاعت و پیروی از دستورات خداوند و رسول خدا در این شرایط اجرایی بس عظیم داشته و سبب شد که حضرت خدیجه به الگویی ممتاز مبدل و سرپرست دیگران در این مسیر باشد. در این باره آمده است که: «حضرت خدیجه سلام الله نیز مظهر مرضات الهی بود از این رو ملقب به مرضیه شد و مرضیه اشرف و اقوی از راضیه می‌باشد». (راوندی، ۱۳۸۷، ص ۲۹)

در تفسیر آمده است: «راضیه به کسی گفته می‌شود که نسبت به مقدرات کائنات و احکام جاری که از خداوند به او می‌رسد کمال رضایت را داشته باشد اما مرضیه به کسی گفته می‌شود که عندالله مرضیه باشد در فقره اولی رضایت از بنده است و در فقره ثانی رضایت از حق و مناط رضایت حق است از عبد چون بنده از خدای خود راضی است خداوند هم از او راضی می‌باشد. چنانچه: «رضی الله عنهم و رضوا عنه» (مائده، / ۱۱۹) (محلاتی، ۱۳۹۶، ج ۱ ص ۳۴/۳۵)

و همچنین آمده است: «اگر نفس حضرت خدیجه راضیه من الله نبود مرضیه عندالله نمی‌شد و بدین لقب اختصاص نمی‌یافت مانند نفوس مطمئنه ائمه معصومین علیهم السلام بخصوص جناب سیدالشهداء علیه السلام که آیه مبارکه «یا أیتها النفس المطمئنه ارجعی الی ربک راضیه مرضیه» (فجر / ۲۷ و ۲۸) تأویل به وجود مقدس آن حضرت شده است. (تهرانی، ۱۳۹۳، ص ۱۷۲) حضرت خدیجه سلام الله از حیث عبادت و فرمان‌برداری از خداوند، پارسایی و انفاق، صبر و پایداری در راه حق، گفتار و رفتار، مورد رضایت الهی بود برای همین در زیارت‌نامه پیامبر اکرم از حضرت خدیجه با این عنوان یاد شده است «السلام علی ازواجک طاهرات الخیرات خصوصاً الصدیقه الراضیه المرضیه یا خدیجه الکبری ام المؤمنین» (مجلسی، ۱۳۹۲، ج ۱۰ ص ۱۸۹)

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «قال الله هذا یوم ینفع الصادقین صدقهم لهم جنات تجری من تحتها النهار خالدین فیها ابدًا رضی الله عنهم و رضوا عنه ذلک الفوز العظیم» (مائده / ۱۱۹)

این آیه نشان می‌دهد که تا چه میزان رضایت الهی از بنده و رضایت بنده از خداوند مهم است زیرا ممکن است که بنده غرق در نعمت باشد اما زمانی که احساس می‌کند خداوند از او راضی نیست این نعمات بر کام او تلخ شود و همچنین ممکن است بنده واجد همه چیز باشد ولی به آنچه که دارد راضی نباشد و بدیهی است که در این حالت این مواهب او را شاد نمی‌کنند و آرامش را که بزرگ‌ترین موهبت الهی است از او سلب می‌کند علاوه بر این هنگامی که خداوند از کسی راضی باشد هر چه بخواهد به او می‌دهد خوشنود شود و این حالتی دوطرفه است و بالاترین نعمت آنست که بنده از خداوند خدا از بنده راضی باشد و این تنها در سایه اطاعت از دستورات الهی محقق می‌شود. (تهرانی، ۱۳۹۳، ص ۱۷۳)

علامه طباطبایی در ذیل تفسیر آیه ۱۰ و ۱۱ سوره مبارکه توبه آیه ۹ می‌فرماید: «آیه نشان می‌دهد که ایمان و عمل صالح از شرایط رضایت پروردگار است چون آیه شریفه مؤمنین را در سیاقی مدح کرده که در همان سیاق منافقین را به کفر و اعمال زشت مذمت نموده است». (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۹ ص ۵۰۸)

اطاعت مؤمنین از پروردگار صفت دیگری است که علامه طباطبائی آن را سبب خشنودی الهی برشمرده می‌نویسد: «چیزی که هست بیشتر مواردی که در قرآن کلمه رضای خدا آمده اگر نگوییم همه مواردش از قبیل رضایت به اطاعت است». (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ج ۵ ص ۱۴۰)

در نتیجه رضایت خداوند از بنده سبب بزرگواری و کرامت عطای نعمت و بهشت به بنده است و در این میان حضرت خدیجه سلام الله علیها با پیش‌گامی در پذیرش اسلام و اطاعت از دستورات الهی به مقام مرضیه نائل شدند که باعث شد دیگران با نگاه و دقت در سیره روش و زندگی این بانوی بزرگوار خواهان رسیدن به این جایگاه باشند و بدین ترتیب بر تعداد مسلمانان افزوده شد و این سبب پیشرفت اسلام شد پس حضرت خدیجه در این ویژگی الگویی برای دیگران سرپرست و پیشگام آنان مبدل شده‌اند و نقشی مهم در افزایش مسلمانان در طول تاریخ دارند.

شجاعت و شهامت شجاعت و شهامت از برجسته‌ترین خصائص و فضائل انسانی است فردی که حق را بر زبان جاری می‌کند و در راه حق از سرزنش هیچ ملامتگری بیم به دل راه نمی‌دهد می‌تواند در رساندن پیام الهی یاری کردن ولی خدا در راه رسیدن به اهدافش همچنین مبارزه با فرهنگ و تفکر جاهلی و در یک کلام در راه پیشرفت اسلام مؤثر باشد و به الگویی تبدیل شود حضرت خدیجه سلام الله با داشتن این صفت ارزنده توانست نقش مهمی در پیشرفت اسلام ایفا کند. در این باره آمده است که: «حضرت خدیجه سلام الله علیها نمونه بارز شجاعت و سمبل شهامت بود همراه و همپای پیامبر اکرم ص در گذر زمان پیشرفت دردها و رنج‌ها را شهامت

مندانه به جان خرید و پایداری ورزید و شجاعانه ایستادگی نمود و از روز آشنایی با پیامبرتا محاصره همه جانبه و تبعید به دره های مکه همیشه و همه جا از مال و جان و اعتبار مایه گذاشت و از پشتیبانی نهضت و پیشوای آن دریغ نورزید و از پای نشست و از سرزنش هیچ سرزنش کننده ای واهمه و هراسی به دل راه نداد». (تهرانی، ۱۳۹۳، ص ۴۸)

همچنین آمده است: «خدیجه وزیر راستین اسلام و مشاور خردمند و شجاع پیامبر بود و آن حضرت به یاری او و حمایت بی دریغ و شجاعانه اش بر انبوه مشکلات و موانع چیره می شود و با مهر و صفای وصف ناپذیر او آرامش خاطر می یافت». (مجلسی، ۱۳۹۲، ج ۱۶ ص ۱۱)

شایسته است به این نکته اشاره شود که شجاعت به عنوان یکی از چهار فضیلت اخلاقی برتر (حکمت شجاعت عدالت و عفت) نزد علمای اخلاق مورد توجه قرار گرفته است. (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱ ص ۳۷۲)

در آیه بیست و نه سوره فتح یکی از ویژگی های پیامبر اکرم و همراهان او شجاعت دانسته شده: «محمد رسول الله و الذین معه اشد علی الکفار رحماء بینهم» و براساس آیه ی ۴۷ سوره بقره شجاعت یکی از شرایط لازم درکسب فرامان روایی، و حاکمیت بر جامعه است. (طبرسی، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۶۱۳)

در نتیجه می توان گفت حضرت خدیجه سلام الله علیها با داشتن این ویژگی و فضیلت توانستند در پیشرفت اسلام نقش بزرگی ایفا کنند چراکه اولاً با داشتن این ویژگی بود که با وجود زخم زبان های زنان قریش توانستند در راه هدفی که پیامبر اکرم ص مسلم داشتند ایشان را همراهی کرده و مهم تر از آن سه سال با رنج و سختی در شعب ابی طالب زندگی کنند و تمام مال اعتبار و حتی جان خود را در این راه صرف کنند حضرت خدیجه ص به همه مؤمنان و رهپویان این مسیر آموختند که شجاعت و شهادت رمز پیروزی عزت و موفقیت است همانگونه که حضرت علی علیه السلام فرمودند: «الشجاعه احد العزین» (آمدی، ۱۳۶۶، ح ۱۶۶۲)

و خداوند در قرآن کریم فرمودند: «یا ایها الذین آمنوا من یرتد منکم عن دینه فسوف یاتی الله بقوم یحبهم ویحبونه اذله علی المومنین اعزه علی الکافرین، یجاهدون فی سبیل الله ولا یخافون لومه لائم ذلک فضل الله یوتیه من یشاء والله واسع علیم»

دوستی و دشمنی برای خدا (تولی و تبری)

دوستی و دشمنی برای خداوند از جمله اعتقادات اسلام است. از آن جاکه اسلام برنامه تکامل انسان است، اصلی ترین عناصر این برنامه، محبت است. تا آنجا که امام باقر (ع) فرمودند: «هل الدین الا الحب» (ری شهری،

۱۳۷۹، ص ۲۶۷) خداوندی که قرآن کریم معرفی می‌کند خدائی است مهربان و عاشق مردم. (هود / ۹۰) او آئین اسلام را که دین همه انبیای الهی است بر پایه محبت خود استوار کرده است. (ری شهری، ۱۳۷۹، ص ۳۹/۳۳)

دوستی و دشمنی در راه خداوند و اهمیت دارد که نشان از تکامل ایمان آدمی است امام صادق (ع) در این باره می‌فرماید: «من احب الله ابغض الله واعطى الله جلا عزّ فهو ممن کمل ایمانه» (حقی، ۱۲۵۵ ج ۹، ص ۴۷۹)

در روایت دیگری پیامبر گرامی اسلام ص فرمودند: «وَدَّ الْمُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِ فِي اللَّهِ مِنْ اعْظَمِ شَعْبِ الْإِيمَانِ». (کلینی، ۱۳۸۰ ج ۲، ص ۲۱) تولا و تبری در قرآن به عنوان دو صفت ممتاز و مهم در مورد یاران پیامبر و مجاهدان صدر اسلام ذکر شده است.

پیامبر اکرم (ص) در روایتی می‌فرماید: «والذی نفسی بیده لا یومن أحدکم حتی أکون أحبّ الیه من نفسه و ماله و ولده والناس اجمعین». (سید قطب، ۱۴۱۲، ص ۲۳)

چنین کسی می‌تواند خالصانه از مال جان و اعتبارش بگذرد و در این راه به الگویی تبدیل شود چرا که به همگان نشان می‌دهد نشانه ایمان حب و بغض برای خداست و کسی که حب و بغض حقیقی دارد که بتواند از همه چیزش در راه خدا مایه بگذارد و حضرت خدیجه (س) هم این گونه بودند در این باره آمده است حضرت خدیجه، پیامبر اکرم را که محبوب خدا و ملائکه بودند را بیشتر از خود دوست می‌داشت و برای این دوستی از تمام هستی خود گذشت.

همچنین با دشمنان آن حضرت و فرهنگ و آداب و رسوم آنان که در واقع دشمنان خدا بودند نیز دشمن بود و ابدا با آنان سازش نداشت و در این راه متحمل سختی‌های فراوان شد. (تهرانی، ۱۳۹۳، ص ۴۳۷)

در نتیجه حضرت خدیجه (س) با داشتن این ویژگی و فضیلت توانست نقش و تاثیر بسزایی در پیشرفت اسلام داشته باشد چرا که دوستی خدا و رسولش سبب شد ایشان در راه مبارزه با دشمنان خدا و رسولش و فرهنگ آن‌ها از همه هستی خود بگذرد و در ضمن در این راه به الگویی تبدیل شده‌اند چرا که به همه آموخته‌اند حب و بغض حقیقی باید در عمل خود را نشان دهد کسی می‌تواند ادعای دوستی خدا و پیامبرش را داشته باشد که در راه تحقق اهداف آنان بتواند از همه هستی خود بگذرد و گذشت از جان و مال و اعتبار در این راه باعث پیشرفت اسلام خواهد شد.

ایثار و فداکاری

ایثار و فداکاری از جمله فضائلی است که در پیشرفت اسلام مؤثر است. اسلام را همواره کسانی یاری کرده‌اند که حاضر شدند در راه خدا از همه هستی خود بگذرند. حضرت خدیجه (س) با داشتن روحیه ایثار و فداکاری توانست در پیشرفت اسلام تاثیر بسزایی داشته باشد. پیامبر اکرم (ص) در این باره فرمودند: «کجا شبیه خدیجه یافت می‌شود او به راستی و درستی من گواهی داد آن هنگامی که مردم دروغ گو می‌انگاشتند و مرا با مال و ثروتش در راه تحقق اهدافم یاری کرد». (مجلسی، ۱۳۹۲ ج ۱۸ ص ۲۳۳ و ۲۳۲) حضرت خدیجه (س) نه تنها اموال خود را در این راه صرف کرده‌اند بلکه در جان خود هم ایثار و فداکاری کردند و با تحمل سختی‌ها و مصیبت‌های فراوان به خصوص در سال‌های زندگی در شعب ابی‌طالب پیامبر اکرم (صلوات الله علیه وآله) را یاری کردند در این باره آمده است که: «سران مشرک قریش که از پیشرفت اسلام نگران شده بودند تصمیم گرفتند با محاصره اقتصادی و قطع شریان‌های حیاتی مسلمانان از نفوذ و گسترش اسلام بکاهند سران قبایل با هم عهدنامه‌ای امضا کرده‌اند که به موجب آن ارتباط و معاشرت با پیامبر و مسلمانان را ممنوع نیز هرگونه خرید فروش با هواداران پیامبر را تحریم کردند ابوطالب حامی و عموی پیامبر دستور داد مسلمانان به دره‌ای در میان کوه‌های مکه که به شعب ابی‌طالب معروف بود بروند مسلمانان سه سال در محاصره اقتصادی بودند حضرت خدیجه (س) در این سه سال هیچ‌گاه پیامبر را تنها نگذاشت و چون همیشه به یاری او شتافت و همه ثروت خود را در جریان شعب خرج کرد تا جایی که گفته‌اند پس از پایان محاصره اقتصادی دیگر ثروتی نداشت او همچنین از خویشان خود خواست تا به یاری مسلمانان بشتابند خدیجه سه سال رنج و مشقت شعب را تحمل کرد که می‌توان آن را در اوج فداکاری او در خدمت به اسلام به شمار آورد. پیامبر (ص) همواره از این خدمت و فداکاری خدیجه یاد می‌کرد و او را به سبب این ایثار و از خود گذشتگی می‌ستود». (گروهی از نویسندگان، ۱۳۸۵ ص ۲۳-۲۴) در نتیجه حضرت خدیجه با داشتن روحیه ایثار و فداکاری نه تنها سبب پیشرفت اسلام در آن زمان شدند بلکه هم اکنون نیز الگویی هستند برای همه مسلمانان چرا که به همگان نشان دادند که اگر در راه حق فداکاری و ایثار نمایند به سربلندی و عزت خواهند رسید.

امر به معروف و نهی از منکر

همه انسان‌ها در قبال هم مسئول‌اند و نباید نسبت به اعمال و رفتار و هم بی‌تفاوت باشند کسی که خود را در برابر دیگران دارای وظیفه دانسته و امر به معروف و نهی از منکر می‌کند به فرموده روایات خلیفه‌ی خداوند بر روی زمین است. در روایتی از رسول خدا آمده است: «من أمر بالمعروف و نهی عن منکر فهو خلیفه الله و فی الأرض» (ری شهری، ۱۳۷۹، ج ۶، ص ۲۵۵) و اگر این واجب در جامعه تحقق یابد در سایه آن جامعه به

کمال رسیده و واجبات دیگر محقق می شوند. امام باقر (ع) فرمودند: «إن الأمر بالمعروف والنهي عن منکر سبیل الانبیا و منهاج الصلحاء فريضه عظیمه بها تقام الفرائض و تأمن المذاهب و تحل المكاسب و تردّ المظالم و تعمر الارض و ينتصف من الاعداء و يستقیم الامر» (حر عاملی، ۱۴۰۹ ج ۱۶ ص ۱۱۹)

از طرفی رسول خدا درباره نتیجه ترک این واجب الهی هم فرمودند: «اذا امتی تواکلت الامر بالمعروف والنهي عن المنکر فلتاذن بوقاع من الله تعالی». (طوسی، ۱۳۶۴، ج ۶، ص ۱۷۷)

خداوند متعال در قرآن هم فرمودند: «لعن الذين كفروا من بنی اسرائیل علی لسان داود و عیسی ابن مریم ذلک بما عصوا و كانوا یهتدون كانوا لا یتناهون عن منکر فهلوه لبعس ما كانوا یفعلون» (مائده/۷۸-۷۹)

اما باید توجه داشت که امر به معروف و نهی از منکر نیاز به شرایطی دارد از جمله ایمان، علم، قدرت، شیوه صحیح، سوز و گداز و تعصب و غیرت. (تهرانی، ۱۳۹۳، ص ۴۸۶)

امام سجاد در روایتی فرمودند: «حضرت موسی از خداوند پرسید چه کسانی را در سایه عرش خود می پذیری؟ خطاب آمد: افراد دست و دل پاکی هستند که هر گاه دیدند حلال های الهی به صورت حرام درآمد هم چون ببر زخم خورده غضب می کنند». (تویسرکانی، ۱۴۱۳، ج ۵ ص ۲۶۹)

حضرت خدیجه (س) نیز چنین بود در این باره آمده است: «خدیجه از وقتی که به پیامبر اکرم ایمان آورد تا وقتی که رهسپار عالم آخرت گردید پا به پای همسر بزرگوارش و هم قدم با او در این راه قدم برداشت و در این مسیر برای رشد اسلام چه محنت ها و مارات ها که نکشید اما برای این که به مقامی که خداوند برای آمرین به معروف و نهی کنندگان از منکر در نظر گرفته نائل شود همه رنج ها مصیبت ها و زخم زبان ها را تحمل نمود و از هیچ ملامت کننده ای نهراسید و خسته نشد». (تهرانی، ۱۳۹۳ ص ۴۷۸-۴۸۸) بنابراین حضرت خدیجه با داشتن این صفات باعث پیشرفت اسلام شدند به همه مسلمانان آموخت که این راهی دشوار است اما پاداش بزرگی دارد و اکنون هم هر کس که در این مسیر قدم بگذارد و صبر و استقامت پیش گیرد و به وظیفه خود و آگاهی سازی مردم و امر به معروف و نهی از منکر اقدام نماید پاداش بزرگی خواهد داشت.

نتیجه گیری

منظور از نقش فرهنگی نحوه سلوک و رفتاری است که زنان انجام می دهند و تاثیر آن در جامعه مشهود است. زنان نیمی از جامعه و تربیت نیمی دیگر بر عهده آنها است. حضرت خدیجه در پیشرفت اسلام نقش بسزایی را ایفا کردند ایشان با وجود برخورداری از مال و جایگاه ممتاز اجتماعی هرگز کمال را در امکانات مادی ندیده

بلکه در اطاعت و پیروی از خدا و پیامبر آن را پیدا کردند. حضرت خدیجه اطاعت از خدا بخشش و فداکاری در راه اسلام صبر و استقامت امر به معروف و نهی از منکر به درجه‌ای رسیده‌اند که خداوند از ایشان راضی بود و توانسته‌اند فرهنگ ایثار صبر و... را در جامعه نهادینه کنند، و به الگویی برای همه مسلمانان و جهانیان و مشتاقان این راه باشند. ایشان با گام برداشتن در مسیر صحیح و صراط مستقیم، تلاش در جهت کسب رضای الهی، تلاش در جهت طهارت باطنی و... در واقع نماد اصالت بخشی اسلام به زن هستند. از آن جا که زنان نیمی از جامعه هستند و تربیت نیمی دیگر بر عهده آنان است یکی از گستره‌هایی که می‌تواند الگوی خوبی باشند در حوزه تربیت و آموزش است. که این نقش را حضرت خدیجه با پیروی از دستورات اسلام و تربیت دختری یگانه به نام حضرت زهرا بخوبی ایفا کردند. در حوزه اقتصاد نیز زنان نقش مهمی دارند رفتارهای اقتصادی زنان مبتنی بر فرهنگ است بنابراین ایشان بر انفاق اموال خود در راه اسلام نقش بسیار مهمی در پیشرفت اسلام داشتند.

منابع

• قرآن کریم.

۱. ابن هشام، عبدالملک، (۱۳۹۲)، السیره النبویه، مترجم: مسعود انصاری، چاپ اول، تهران: انتشارات مولا.
۲. ابن اثیر، عزالدین، (۱۳۸۵ق)، الکامل فی التاریخ، چاپ اول، بیروت: دارالبیروت.
۳. آمدی، ناصح الدین ابوالفتح، (۱۳۶۶)، غررالحکم و دررالکلم، مترجم: آقا جمال خوانساری، چاپ نهم، قم: انتشارات دارالکتب اسلامی.
۴. امینی، عبدالحسین، (۱۳۸۹)، گزیده‌ای جامع از الغدیر، مترجم: محمدحسین شفیعی شاهرودی، مؤسسه فرهنگی میراث نبوت.
۵. بنت الشاطی، عائشه، (۱۳۹۰)، بانوی کربلا زینب، مترجم: سیدرضا صدر، چاپ یازدهم، قم: بوستان کتاب.
۶. پاک‌نیا، عبدالکریم، (۱۳۸۱)، نگاهی به آموزه‌های تربیتی در زندگی حضرت خدیجه، سایت تخصصی حضرت خدیجه.
۷. تهرانی، حسین، (۱۳۹۳)، خصائص ام‌المؤمنین خدیجه کبری، چاپ سوم، قم: طوبای محبت.
۸. توپسرکانی، محمد نبی، (۱۴۱۳ق)، تأثر: علامه، چاپ اول، قم.
۹. حقی، اسماعیل، (۱۲۵۵)، تفسیر روح البیان، تلخیص و تحقیق محمدعلی صابونی، چاپ اول، بیروت: دارالفکر.

۱۰. حافظ، شمس‌الدین محمد، (۱۳۸۲)، دیوان حافظ، چاپ چهارم، انتشارات بار بد.
۱۱. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹)، وسائل الشیعه، چاپ اول، قم: مؤسسه آل‌البیت.
۱۲. دخیل علی، محمدعلی، (۱۳۶۱)، خدیجه (س)، مترجم: فیروز حریری، چاپ اول، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۳. الدیلمی، حسن بن محمد، (۱۳۶۸)، ارشادالقلوب، چاپ اول، قم: دار الشریف الرضی.
۱۴. راوندی، قطب‌الدین، (۱۳۸۷)، القاب الرسول و عترته، تحقیق: سیدعلی‌رضا سید بکاری، قم: مؤسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان.
۱۵. سیلاوی، غالب، (۱۳۸۲)، الانوار الساطعه من فراء الطاهره، قم: محلاتی.
۱۶. الشاربی، سیدقطب ابراهیم حسین، (۱۴۱۲)، تفسیر فی ظلال القرآن، مترجم: سیدعلی حسینی خامنه‌ای، چاپ هفتم، دارالعلم شروق بیروت القاعده.
۱۷. طباطبایی، سیدمحمدحسین، (۱۳۹۰)، المیزان فی تفسیر القرآن، مترجم: سیدمحمدباقر موسوی همدانی، چاپ هفتم، دارالفقه.
۱۸. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۰)، مجمع‌البیان، مترجم: علامه ابوالحسن شمععدانی، چاپ سوم، قم: انتشارات مؤمنین.
۱۹. طوسی، محمد بن حسن، (۱۳۶۴)، تهذیب الاحکام، چاپ اول، بیروت: دارالکتب علمیه.
۲۰. عسقلانی، ابن حجر، (۱۴۱۵)، الاصابه فی تمیز الصحابه، چاپ اول، بیروت: دارالکتب علمیه.
۲۱. قاضی، فاطمه، (۱۳۸۹)، زن صدف آفرینش، چاپ یازدهم، قم: انتشارات خادم‌الرضا.
۲۲. کلینی، رازی، ابوجعفر محمد بن اسحاق، (۱۳۸۰)، کافی، مترجم: محمدعلی ارکانی دارالحرب، چاپ چهارم، قم.
۲۳. گروهی از نویسندگان، (۱۳۸۵)، همسر آفتاب، کتاب طه مرکز پژوهش‌های کتاب اسلامی صداوسیما.
۲۴. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۵)، تفسیر نمونه، چاپ دوم، تهران: دارالکتب اسلامی.
۲۵. محلاتی، ذبیح‌الله، (۱۳۹۶)، ریاحین الشریعه، چاپ اول، تهران: دارالکتب اسلامی.
۲۶. محمدی ری‌شهری، محمد، (۱۳۷۷)، میزان‌الحکمه، چاپ اول، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دار‌الحديث.
۲۷. مقریزی، تقی‌الدین احمد، (۱۴۲۰)، امتاع الماع بما النبی من الأحوال اموال و...، چاپ اول، بیروت: دارالکتب علمیه.

۲۸. مالکی، ابن صباغ، (۱۳۸۱)، **الفصول المهمه فی معرفت الائمہ**، ترجمه: محمد یزدی تحت عنوان: در راه تفاهم مسلمانان، چاپ اول، قم: دارالحدیث.
۲۹. محمدی ری شهری، محمد، (۱۳۷۹)، **دوستی در قرآن و حدیث**، مترجم: سیدحسن اسلامی، چاپ اول، قم: دارالحدیث.
۳۰. مجلسی، محمدباقر، (۱۳۹۲)، **بحار الانوار**، چاپ سوم، تهران: مؤسسه انتشارات کتاب نشر.
۳۱. نصیری، محمد، (۱۳۹۱)، **تاریخ تحلیلی صدر اسلام**، چاپ چهارم، قم: دفتر نشر معارف.
۳۲. واحد تحقیقات مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان، (۱۳۹۲)، **دانشنامه حضرت خدیجه**، مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان.
۳۳. سخنرانی آیت الله جوادی آملی در سالروز وفات حضرت خدیجه، (۱۳۹۵/۳/۲۷).
۳۴. سخنرانی آیت الله میرباقری، (۱۳۹۸/۲/۲۰).
۳۵. سلسله سخنرانی حجت الاسلام مرتضی جوادی آملی با موضوع **حیات اجتماعی بر مبنای تعالیم و حیانی**، (۱۴۴۰)، مسجد هدایت آمل.